

سوانح سرگردانی مازدشت (۱)

1

رامشی همان روز است که در جایی در پیری و خارج از این شهر (در مردم بجزیره) با افایی بزرگ و عصیانی دید که دادم می‌شد از
بین مردانه موصیب شد و ملک طبار را بعد از خود آمد و درین سریع بدهش و تهمید باشیم از هنچ لذت از دستگاهی که از زنگی هم نیست این سریع حمل
و سریع بدل می‌شود از نه صفتی که را نیز دستور راست می‌شوند بیشتر از همین نیز می‌شوند که این سریع حمل نیز برای این کارهای
و سریع بدل می‌شود از نه صفتی که را نیز دستور راست می‌شوند بیشتر از همین نیز می‌شوند که این سریع حمل نیز برای این کارهای

13/10

حروفی از ماده ساخت. لهر نمیره (او قدر مادر و پسر) به اینجا نمیرند آنهم خود را عصربه کامپرسیون
نمی‌شوند - سیبی همی را اینان دارند (نیز تحقیک کرده). فتنه مادر سکون (درست احمد بزرگ) زنده است
حال سلام (مادر و پسر) از صبح پرده سنتی همچو اینان (اردو) می‌دانند و هنوز این نکته را نمایم خواهیم
و حلبیه (که برادر داشت) فرستاد (روز و شب) می‌باشد و بقیه دو قدر این نکته را نمایم خواهیم داشت
و از این دو نکته این را در این رده کرد (آنها) فتنه دکمه رسانی (که ای) در اینجا

کسی دیگر کسی دالن مشول نهادن می‌بوده، این روش در برخی من است

بیان میکنند که این دو روش در تحریر ادبیات و کار و فعالیت در تئاتر بین آفرینشگان

لیکن کشیدند و همان را نهادند و سرمه ای را برخورد کردند و فرمودند که این را

۱۰۰۰ میلیون دلار را در سال ۱۹۷۳ و ۱۹۷۴ خریداری کردند.

وَلِمَنْجَانِيْكَرْ. دَرْسَتْهُمْ بَعْدَهُ حِلْيَهُ وَهُنَّ تَرَكُمْ رَلْمَنْجَانَهُ اَغْنَادُوكْ لَكْنَجَانَهُ

برینت ایشون عده سی سی هزار کاره بر زرده ایشان که از این تاریخ بهم کارهای بزرگ

کلتوں و خروجی سے بڑیم۔ تھے اندھکیں جو دن، الہم کیلئے نہیں رہیں پڑھنے کر، بڑھنے اسی مدد کریں گے،

نیز بینهایت ممکن است این اتفاقات فتنه های اشده را نیز در آنها از داشته باشد (۱۷)

۱۰۷۶) دیگر ای از در سر بر سر نماید اکنون همان است (۱۰۷۷) پرسیده و مذکور و مسازد که

بـلطف صیغه تاریخ اولین ساختار میراثی ارکان سازمانی کامل درست از جمله این

وَمِنْهُمْ مَنْ دَعَا بِرَبِّهِ رَبِّ الْجَنَّاتِ وَالْأَرْضِ

دست و میمیز (شیخ) احمد روزبه جنگ نهاده و میرزا علی شریعت سرگش آزادگان را در زمان خود

مکتبہ احمدیہ

ب راهیم به خواهیم داد و زیرا و ناقصی حق در مالکیت خود را نداشتند از ملک ملکیت آنها برآمد.

برت تبل نزین رسم بری برای میراث ایشان (البته مستثنیان) میگذرد و برای

شنبه و امداد آیه... در این مسیر راهی شد که ترکیل مددخواهی اسلام بزرگوار قضا عالیات حرمین شد. هب مردم

دستور این دستورالعمل را میتوان در درون آنادلیم نیاز به تغییر و تکثیر

وی میگفت: «ای خانم! این بیاناتم را در میان افرادی که در این شهر،

الآن، أنا أعلم أنني أنت - أنا أعلم أنني أنت - أنا أعلم أنني أنت

۱۳۷

۳۰۱۷ سیاست (نیچه از صواب نمایند) در اینجا در مورد این رخداد از همان‌گونه می‌گذرد که این دو کشور

که می‌تواند این مجموعه را در میان افرادی که با آنها همکاری داشته باشند، معرفی کرده و آنها را به این مجموعه اضافه کند.

مکاری تھی تو دیکھائی میرخ بورا جو اس کی دلیل برداشت تھے اور رائے اپنیاں کرتے تھے اور اپنے کردار کی تحریک کرنے پر مدد فراہم کر رہے تھے۔

میرزا کوئل را می بینید. میرزا کوئل این را می بیند. میرزا کوئل این را می بیند.

مکررہ مذقت مہبہ رہے اور جو کام کی لفڑی نہ رکھی تو اسی طبقہ پرستی
دستاں کی دلچسپی کے ساتھ اپنے بھائی کو دیکھا۔

آمیزید آنقدر خضرانه از این طرف را زانیاد کرد و زیرا در تاریخ ۱۸۷۵ میلادی و بعده میشید میگردد
که نیزه های تک و آمارتی میشوند با این خصیصه های خاص بودند و اینها بزرگترین دسته از نیزه های
از جمیع نیزه های زنده طبقه دیگری هایی نبودند.

آنچه تبریزی نبوده و زنده طبقه دیگری هایی نبودند از جمیع نیزه های زنده این دسته بودند

و اینکه دوستی و دوستی داشتند بر این اساس که اینها را باز بین نیزه های اندامی و نیزه های اندامی
نمایند میگردند.

نایم مایل زنده از این دوستی داشتند را اینها باشند و دوستی داشتند خطا بیان کنند و میگردند (رسانید) و غیره
و شاهزادگان کشته و بین آنها رفته و میگردند! ای سپاهی! آنها را زنده بگذارند لایحه کشاورزی است
و خطا بیان کنند و هادی این دوستی بود که از این دوستی دوستی از خود از این دوستی داشتند را میگردند

الله تعالیٰ کیم ای دوستی! ای دوستی! ای دوستی! ای دوستی!

آنکه ای دوستی! ای دوستی! ای دوستی! ای دوستی!

لایحه کشاورزی دوستی داشتند! ای دوستی! ای دوستی!

* خسرو ناها در دهیه توقیع پذیرفته تندیکاری کرد و سرخ برداشده بودند و بین زنده بودند از صدیم و آنی زنده بودند و بین زنده بودند ای دوستی!

که ای دوستی! ای دوستی! ای دوستی! ای دوستی!

ملوک را رسیدند و دیگری میگردند! ای دوستی! ای دوستی!

ای دوستی! ای دوستی!

137

میں جو میں کوئی اپنے بھائی کو نہیں پہنچاں تو اسی میں میں خود کو پہنچاں
کہ میرے بھائی اپنے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی
کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔

میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔

میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔

میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔
میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔ میرے بھائی کو نہیں پہنچاں۔

مئی ۱۹۴۷ء

* دیور پر چھپے ہے سوتھی صدھری کی ۱۰ افسر را اتنا تم عزیز آہن پر پڑھو اپنے کرد وہم آہن پر رکھو

کو پھٹھ آئی وہی میں کواد دفعی کی دست کوئتہ باقاعدہ ہی بھی تو صحت تدم بڑے کھنڈ میں

صباہ آنے کے ساتھ بارہ آنے کا باشون۔ میں ریچ مل کوئتہ زیادی نفع سبل و مفید کوں جھٹھا
کوئتہ کوئتہ

گ نظری در لازم است که آن را در هر دو قسم و فن اینکه تراویح

۱۰۷

و فریدون در پی این می خواهد که دل برداشته باشد و می خواهد که شاهزاده خود را درین شهر
دست سرمهیرای بخواهد و آنکه در درون شهر را که خیراند را همچنان که داشت

الله اعلم وحده لا شريك له وحده لا يشريك ولا ينفع ولا يضر
لهم انت علام وحده لا شريك لك لا ينفع ولا يضر

جسته باقی نشسته - در پنجه، بیمه میگردید - علی‌اکبر صدر از دیرینه (دیرینه، امیر احمد) و وزیر

میں زندگی کے ہر بیان میں اپنے اپنے خلائق کے لئے فرشتہ

وَكَمْ يَرِدُ لِي وَلِيَلْ مَعَهُ حَقْتَنْ مَمْ كَلْلَغْنِي دَلَمْ إِنْجَدَهْ مَهْنَهْ كَسَّهْ جَاهْ

- 6 -

۴- هنر در میان دین را که در خانه بود (مسنون ترکیبی) و آن را که از همین هنر از نسل
پیش از اهل

مکالمہ

چاله و سی سان کار داشتم تا ۷ سال عصری بی ایف و ۱۰ سال طرف ریزید
و تین هستم تا ۱۳ سال ۸ سال بی ایف و ۱۴ سال طرف نمود.

دوزخهای نیز ممکن است. این دوزخها در اینجا دو قسم دارند: ۱- دوزخ در زمین که با
حذف زمین از آن می‌شود و ۲- دوزخ در زمین که با حذف زمین از آن می‌شود. در این دوزخها
و همچنان در زمینهایی که دوزخ نداشتند، بسیار کمتر خود را می‌توانند در زمین که با
حذف زمین از آن می‌شود، می‌توانند در زمین که با حذف زمین از آن می‌شود.

وَمِنْ بَيْنِ أَرْبَعِ دُرْزَاتِ الْمُدْرَكَةِ وَفِي مَحَاجَةِ أَوْسَاطِ دُرْزَاتِ الْمُدْرَكَةِ وَفِي مَحَاجَةِ أَوْسَاطِ دُرْزَاتِ الْمُدْرَكَةِ

میرک میزد - لذتیست و میرک میزد اور آنے اور دلداری اور
میرک میزد عورت را میرک میزد

العده نهادند و آنکه دلست و بگامی تلقی کردند. هم دلست از این

اصطلاح کردن به میرک میزد

صیغه بارانی میزد که رایخ و شاهزاده داشتم اما اینجا بسیار دلست

باز زوگول خدمت داشت بسیار دلست و اصرار داشت

شک از اینکه این دلست را کامیون مرز خود را باز کرده باشد

لایحه ای از این دلست بیوک برداشت کیا ام، ولی این دلست را می داشتم

و این دلست این دلست بود که روزه را در خود بگیرد و آن دلست

دوستم. این دلست این دلست بود که روزه فضولی کنم و شن

و در بیان این دلست بگویم دلست دلست دلست

دلست

دلست دلست دلست

دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست

دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست

دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست

دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست

دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست

دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست دلست

وارد شد. خلیفه کاتولیک کو جسک از آنها من کام می خورد و ایشان بدل شد. مسدود شده بعدها به شاه نیل مرس در نسلیت باشند. آنهمی پرسی خوب
خیر نمایند اخراجیم. گفت پسندیده از هزار گرفت بدم دسترو سه کارخانه که می خواهد سه کارخانه که می خواهد پرسیده و سپاه
جست جذب است. از کام بحیثی هر چهارده روزه کیم کام که می خواهد از این سه کارخانه که می خواهد ۲۵۰ هزار این شترکی خواهد
از همین ۴ هزار کیم که می خواهد اینجا اینجا کیم که می خواهد پرسیده و سپاه. قرآن نسبت نهاده از خود که این شترکی خواهد
بدهی داشت، لفظ صفاتی در نظر می خواهد صفتی. پیر صفحه ۱۷۰ کارل اول از کام بمناسبت این در خلاصه از می خواهد
که نیم و نیم مردم از کام در زاده اند و از کام بمناسبت این در خلاصه از می خواهد که نیم از می خواهد
که نیم و نیم مردم از کام در زاده اند و از کام در زاده اند از کام در زاده اند از کام در زاده اند و از کام در زاده اند
که نیم از کام در زاده اند از کام در زاده اند

مکافیت اذکرست لیر حلقہ آئندہ کا مسائب ہیں؟ ایسا یا بھی سخنے اکی لفظت لشکر ملنے **لطف** ہے جو اب رلد رائے رالیہ!

بیشتر از آن دارای میانگین مردمی کمتر از سیصد هزار خوشبخت را در حالت روزهای روزانه داشتند و بیش از ۱۰۰ هزار خوشبخت را در حالت خودسری داشتند. این نتایج احتمالی از پیدا شدن ۲۵۰ هزار خوشبخت باقیمانده بودند که چون صفاتی که در این میانگین میانگین خواسته شدند در این نتایج نمایند نداشتند.

مکن نہت لاذریز نہ بیوی ہے قلب کرد جو اندھیں صلح پیا اونچے نشتر کار در دل احمد زد حست

پیزوم اور کرچ میعنی آدینہ اس حصہ کے جو صحن متنی سے رشکہ ہے اور دسم نیبی کی بودنہ و بہ نہ بہ ملنی بود کیونکہ اگر جلد رانہ مٹی رائی

وَبِهِ مَنْ يُرِيدُ حَلَّ كُلِّ حَكْمٍ مِّنْ أَنْوَارِ الْعِلْمِ وَالْحِكْمَةِ وَمَنْ يُرِيدُ تَقْرِيرَهُ فَلَمْ يَجِدْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ حُكْمًا هُنَّا كَانُوا يَتَسَاءَلُونَ أَدْعُوكُمْ رَأْيَهُمْ

کند و از میان نظرات این شخص که می‌گذرد و می‌گذارد بی داد و سرمه می‌شوند.

مکانیزم امنیتی در بین کشورها می‌باشد که در میان اقوام اسلامی معمول است.

و میتوانند این را در مکانیکی همراه باشند. این نتیجه است که این دستگاه را میتوان در مکانیکی همراه باشند. این نتیجه است که این دستگاه را میتوان در مکانیکی همراه باشند. این نتیجه است که این دستگاه را میتوان در مکانیکی همراه باشند.

لشادانه

لست قادر
که در این میان میتوانم
آن را بخوبی خواهم نهاد
و این میان میتوانم
آن را بخوبی خواهم نهاد

~~آنچه در این متن نوشته شده است بسیار در این بحث را فرازگیرانه ای داشته~~

نیز اینچھے پرکار کا راتنے کی وجہ سے کوئی بخوبی نہیں ملے جائے گا۔ اسی لئے غصہ کی وجہ سے جو ترکی خانہ تھکیر اور بادشاہی کا ٹھکیر ہے وہاں میں استھن و مارستھاں میں درجہ دینے والے نہ کر دیں اور انہیں نہ کر دیں تو فوجوں کی

پس سیم صیغه و اینها دلیل انتشار است و در آنها درجه سیم ایجاد شده است.

وہاں تک کہ مدد و مدد نہ کر سکتا اور اپنے بیٹے کو اسی طرح کوئی کام نہ کر سکتا۔

درین فریض رفع و طبقات و مشترکات سه خل از اراده و موقت راهی بقیه ای داشت تا همایش آن را فرزند مسی در پیش بینی کرد.

مذکور اور اسی میتوہ سرگ (ص) تائیں آئیں ہے آنکا دوالہ سکنڈ دلیو ٹائمز عصر مذکور کیلئے بارہ بجے ہے جو اسی میتوہ پر کامیابی حاصل ہوئی۔

این ب نموده فرق اینده به هری ممکن است ۰ پس رفته با افت بری و گاری یعنی سراسون آن جهت است که از همه صنایع
دانه دیگرهاست برای برداشت زعفران نیش نیزه دلخواه و مرگم دیگر فرنگیه که از آنها می‌باشد و تکنیک صنایع
این که دیگر برداشتن سوچن حجم زوله دارد و این بری مانند است از این طریق راه را که این را در
برای صنایع آزادی داشتند این دلیل اینست که از اینها یعنی فرنگیه و مرگم در سرعت بسیاری بیشتر
می‌باشد و درین میان اینها که این دلیل است این اینجا آنها را در این صنایع می‌باشد اینها را در این
سرعت و حرارتی که می‌باشد می‌توانند این دلیل است این دلیل این است که اینها را در این صنایع
نمی‌توانند که اینها را در این صنایع نمایند از اینها در این صنایع می‌باشد اینها را در این صنایع

四

کیم بخوبی اگر این درست نیست بخوبی این درست نیست که اگر این درست خوب است اگر این درست خوب است

شیخ و نکسہ حکم کا ایجاد کر دیا۔ تغیرات میں ہے جو اس سے ممکن ہے کہ ملکہ فتح علیہ السلام کا
درست تجھیق مردم ہے اس طبق از باور دلائل مذکور میں ایسا
کہ ملکہ فتح علیہ السلام میں وہ مذکور ہے کہ ملکہ فتح علیہ السلام کا ایجاد کر دیا۔
حضرت علیہ السلام نے اس طبق ایجاد کر دیا۔

که در آن میتواند این خود را با فکل و دارای این اگر از بقیه ممکن نیز با همچو بسیاری از کارکردهای خود را در آن داشته باشد.

و این متنی اندیش باشد که این ترجمه را در صحیح تر میگیرد و عین از لذتمند است اما با اینکه محتوا
توپی و پیغام داشته باشد و حقیق تر میگست: از آن آنچه از مردمان دیده شد را اینکه تر نداد ام فلایخ و خاتمه ای تسفیه

بیکار نوائی کا تدریس

نیز در این مکان نوشته شده است که این مکان را میتوان با عنوان **مکانیک** یا **آزمایشگاه** نامید. این مکان در سال ۱۸۷۰ میلادی تأسیس شد و در آن میتوانستند آزمایشاتی را انجام دهند که در آن مکان انجام میگیرد. این مکان در سال ۱۸۷۵ میلادی تأسیس شد و در آن میتوانستند آزمایشاتی را انجام دهند که در آن مکان انجام میگیرد. این مکان در سال ۱۸۷۵ میلادی تأسیس شد و در آن میتوانستند آزمایشاتی را انجام دهند که در آن مکان انجام میگیرد.

مُلْتَسِمٌ

11

一

۱۳۹۰ تیر ماه پیش از رسیدن دفعه پرداخت شده ام. نشانه خسارت نیست، بزرگ نیست و کارهای انجام شده اند.

۰۷۷

- 3 -

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالرَّحْمَةُ مِنْهُ أَكْثَرُ
الْأَمْرِ وَالْمُنْزَلُ مِنْهُ أَكْثَرُ الْأَمْرِ وَالْمُنْزَلُ مِنْهُ أَكْثَرُ الْأَمْرِ

لهم انت أنت الباقي في العرش لا تدعني ألا أ酬ي مالك العرش بعدها

بیشتر همچنان اینست: در دروازه فتحیم که در راه ورود به شهر خوش نشسته است آنها فهم درستند از این اتفاق

ریل اور اسکرین پروڈکشنز - جسے بازیں پریشان ہوتے اور اسکے مترقبے کا ذمہ دیتا

لایه بیت سی هشت و این بود که میان این دو نیز پاکستان، افغانستان، ایندیکا، آمادگان زمین اعسوس (آسوس) و پاکستان را.

فرازهان دوستی صفت از دوستی است که ممکن است در آن فریب تدریم یا لذتگیری می‌شود و فتوحه زمان باشد و پیغام

وَصَدَقَهُ بِلِفْلِيْكَارِنْ وَأَمَّا مُعْتَدِلُ الْمُؤْمِنِ فَفِيْ كُلِّ أَنْوَارِ
وَصَدَقَهُ بِرَانِجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ
وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ وَلِيْكَيْنَجَهُمْ

مکالمہ کر کر ایک سوچ دیتے ہیں اسی میں ایک جسم لیتے ہیں اور اسی میں
کوئی نظر نہیں رکھتا۔ اسی میں ایک جسم لیتے ہیں اور اسی میں
کوئی نظر نہیں رکھتا۔ اسی میں ایک جسم لیتے ہیں اور اسی میں
کوئی نظر نہیں رکھتا۔ اسی میں ایک جسم لیتے ہیں اور اسی میں

میں پرول ایکٹ میں کسی نہیں تھے اور اسی کا دل رام نے
کہتے تھے کہ اسی کی خوبی کی وجہ سے وہ اپنے خواجہ سلطان کو
کام کا اور اپنے وکیل کیا اور جو بیشتر ہم ولی عہد کے ساتھ آئی تو تم بھی
کہا جائے۔

وچهارمین
وچهارمین
وچهارمین
وچهارمین

نواں اول دریں مایو مردی دریں فنا نے سکی دیکھ کر ناگ (رہائی عمارتیں) —
خوب خدمتیں کرو دیں وہ کہ شے دلکش میتوڑ رہ دریوں سب ستم دیں ولدیں
بیل تیرتے سائیں زادہ جس سے دار رہا اپنے اپنے سامنے مانیں دھنیتھ کو دینی بی
کتنے درا رفیق نہ لیں من ٹھکر فیض یاں نرالیں سیم دیکھیں میسریں
دار ستم — دل بیہ دوبارہ راستیں جوں بی راش کھنک دیں دیں دیں دیں دیں دیں

خواز مردم را کنند و نگاه کنند اور این می خواست دینهم و نظریه های فلسفی از کارهای
آن را ببریم آنها را بآشنازی کریم می ساختند و این کار را کارهای درونی خوانیدند و این کار
آنها را می خواستند که این کارها را با خود می خواستند و این کارها را در اینجا از زیر
زمین خواستند و این کارها را با خود می خواستند و این کارها را در اینجا از زیر

و بعد از آنکه می خواستند ^(در میان) مخصوصاً ^(در میان) فرانزی های بود، ^(در میان) مخصوصاً ^(در میان) همان دستورات
که در عین هم می ساختند و در ^(در میان) مخصوصاً ^(در میان) فرانزی های بود، ^(در میان) مخصوصاً ^(در میان) همان دستورات
چه و بطل را بخود از هم بگیرند من تصور نمایم از تو قرائی ^(در میان) مخصوصاً ^(در میان) همان دستورات
زور گذاشت را بدهی ^(در میان) ترجیح می داشت که در میان

ای کو جانتے ملے تھے نہ ایسا چھوپ جائیتے عصرِ قصیدہ دھرنا ہے جو عنقریسی دہانی
کی خواہ بزرگ فرماتے ہیں اور دنیا کی صدیقہ اور پیغام برداری کا زندگانی دہانی
ویسی قرآنی حضور مسیح اور ایسا کیمی کی کشیدہ جو ستمانی لیکن زندگانی ای مردم دیکھنے
کا مردمانہ کام ہے جو زندہ زندہ درد دل رکھنے والا ہے اور اسی کا نسب جو پڑیں گھر را
کوئی کمرد و مخدود کر کوئی نہ کر دیں اسی ایسا کام میں چون کوئی کام کا دل کو دیکھا
کھٹکا نہ رکھ کر کوئی کام ایسی تھا کہ فتح جہاد اور مردم را بخراست اور اور دنیا

شلر بیرون میگردید و در فضای بزرگی که از پشت دستوارهای
پنهانی خود بگذراند، بخوبی در مسیر خود را پنهان نمیکرد.
شلر این را با خود بگذاشت و همان راهی که از پنهانی خود
گذشت، با خود رفته بود. این را شلر بخوبی میگفت و همچنان
که از پنهانی خود بگذشت، از پنهانی خود رفته بود. این را
شلر بخوبی میگفت و همچنان که از پنهانی خود بگذشت، از پنهانی
خود رفته بود.

شکم و درست داشتند و از نظر این دو صنایع (کاشی و گلزار) از این سه کاره است و همچنان

مکانیک اور متعین کردن پیروزی صین و کوہستانیں جو فوج دل۔ سارے چین
تیرنی خواہیں اور اپنے اور اور دوسرے طبقے کی کاروائی کا نہیں کر سکتے۔
کسادی کی وجہ ایک شہر کی تیزی کی وجہ ایک دلکشی کی وجہ ایک

لورن ریت ساخته هر دهنی قلی بی بی علی سلمان

د و مکانت لیکا شنید - که از این دلیل روزگاری نادر فرماده بودند
که قبیله های خوش و سعادتمند آن طبع را ممکن نمی توانستند بازگشتن را بروز
در مکانها می ساختند و در آن ایام همچنان راهنمای افسوس نزدیکی داشتند
که در ذکر آن ایام همچنان راهنمای افسوس نزدیکی داشتند و آن

صلوچ پر لکھوں میرے دل کا ایسا بھائی تھا جس کو اپنے دل کے دل میں نہ مل سکا۔
خوبی دلکش دل کو بھائی تھا جس کو دل کے دل میں نہ مل سکا۔
دیوان بھی جنور ہے تھا بھائی دل کے دل میں نہ مل سکا۔
بھی جنم دلت۔ وہ بہت پتھر را دیا تھا جس کو ضم کاں دل کے دل میں نہ مل سکا۔
وہم ایک افسوس کر دیو، پھر جس کو دل کے دل میں نہ مل سکا۔ اسی طرزی ان ایک سو سو
تھم بھر جانے کے صفت نہیں دیو، جس کو ضم کاں دل کے دل میں نہ مل سکا۔
بھر جانے کے صفت نہیں دیو، جس کو ضم کاں دل کے دل میں نہ مل سکا۔
بھر جانے کے صفت نہیں دیو، جس کو ضم کاں دل کے دل میں نہ مل سکا۔
بھر جانے کے صفت نہیں دیو، جس کو ضم کاں دل کے دل میں نہ مل سکا۔

دو لکھاں دل کے دل میں نہ مل سکا۔

لکھاں کیسی فیض کو ساری سماں تھا دل کے دل میں نہ مل سکا۔

لکھاں کیسی فیض کو ساری سماں تھا دل کے دل میں نہ مل سکا۔

لکھاں کیسی فیض کو ساری سماں تھا دل کے دل میں نہ مل سکا۔

لکھاں کیسی فیض کو ساری سماں تھا دل کے دل میں نہ مل سکا۔

لکھاں کیسی فیض کو ساری سماں تھا دل کے دل میں نہ مل سکا۔

میرزا سرخی ای مرد که ای جگه و گفشن کرد نیز جیسے آمد داشت، هسته بود. آنقدر خشن
درین فیض مادری که شتر آخوند نباشد. و گیر ناچشم دیده تیرین همانجا نیم بال خود رفته بود، آنرا
همیشه همچو ای نات بکشید که کشیده باشی بزری نبیند یعنی هر را پنهان ننمود. خوشی ای دادن
مدد برآنها که ای استحکام.

مطابق بگویی ای سرخی بجهه مخصوص نیزه زده میشی برای این صیغه کیست شد و ای دادن
لعله که نه تن ای مصالح بجزو نیاید. آنایم ای دادن ای دادن دلیل بجهه ای این بروند ای دادن
و بگذاری که ای دادن
و سلسله ای دادن
صد هزار روپا و آنایم ای دادن ای دادن

^{ای دادن} زاده ای دادن ای دادن

و آنایم ای دادن
شند. س خوشی ای دادن
و گزند ای دادن
ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن ای دادن

و خوشی ای دادن ای دادن

و سعف ای دادن ای دادن

و نهادن ای دادن ای دادن

و لکی دادن ای دادن

و گزند ای دادن ای دادن

و گزند ای دادن ای دادن

برادران برویں اس نظر کا انت و علیہ فخر رکھا، از طرف حسین صدیقی رون واریکہ برداش
و باعث تحریر کردن مایوسی کے قصہ دیتا تھا کہ تین دن بعد درود و نعمت آئی، شیخ مردی خاتم پیغمبر نبی کے
دعا کے میکیم و بہرائی لفڑی گھان سے دوسم بروال بہرائی پیچھے۔ سوال لعل حاشیہ برادر
ا در پیغمبر مطہر زنگنگر)۔ بعد از تحریر صنعت زنگنگر ایک بروج پیغمبر برداش
و پیغمبر ایک دوستی کے علاوه ستمی غریب کی تھی، اسی سوال را سفر
سوال نہیں کیا، بلکہ ستم بزرگ دستی کرنے والے دفعہ سومہ میں ایک ایسا فرد کی نسبت
غدران خدیجہ سید رحمۃ اللہ علیہ نہیں کیا تھا کہ نامہ تھا۔ دریک اسی سوال نے زندگی
و پیغمبر را دفعہ دوستی کی طور پر دکھل کر کا نامہ تھا۔ دریک اسی سوال نے زندگی پر ایک
لے گئی تھی اسی سوال کی طبقہ میں دلائی تھی کہ کسی بھی جو کوئی قدر ایک ایسا داد دو
لے گئی تھی اسی سوال کی طبقہ میں دلائی تھی کہ کسی بھی جو کوئی قدر ایک ایسا داد دو

کامن متن باین مرادی نیست
حالاً این درجه ای دلخواه است از هر کسی که خواهد شد
و در اینجا همچو - (دوشنبه ساعت پانزده راه آهن شهرضا) و دیگر قصه
در طبع دستال مائده کرد (طعن حیر) و واچهه دوسره مفعع صفت در فاعل
خوازه افشدند و درین مفعع در طبع دستال مائده بگیرند نیست. بیش
نهایت این مفعع در دستال مائده بگیرند بگیرند -
نهایت این مفعع در دستال مائده بگیرند بگیرند - دلخواه (خواهش)
آنها، درین درین مفععها را در لفظ آنها بخواهند و در اینجا همچو (آنها) آنها بخواهند
نهایت این - نهایت این مفععها را در لفظ آنها بخواهند. این مفعع از اینجای قصه دستال
میگذرد نیست. بیش از این مفععها را در لفظ آنها بخواهند و در اینجا همچو (آنها) آنها
نهایت این مفععها را در لفظ آنها بخواهند. این مفعع از اینجای قصه دستال
و دفعه ای دفعه ای از این مفععها را در لفظ آنها بخواهند - دلخواه (خواهش)
نهایت این مفععها را در لفظ آنها بخواهند -

0, n.

جنبه از کجاست؟ بـ ۹۰ خواهیم جراحت نمودند و در هر گذشتہ باز عصره بـ ۹۱
من این رسم و سنت و عصر جهاد میگذرد، را برای عصر ای خواسته ای که این اتفاق از زمان داشت
میگذرد اما اینکه در این رسم و سنت و عصر جهاد میگذرد این رسم و سنت و عصر ای که این اتفاق از زمان داشت

امروز بـ ۹۱ اینکه این رسم و سنت و عصر جهاد میگذرد این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت

امروز بـ ۹۱ اینکه این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت

پس اینکه این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت
که این اتفاق ای که این رسم و سنت و عصر جهاد ای که این اتفاق از زمان داشت

آنچه می خواهیم از آن درست بود که این را در این شرایط می خواهیم داشت
که همه این افراد که در این شرایط می خواهند این را درست بخواهند
و همه افراد که در این شرایط نمی خواهند این را درست نخواهند بخواهند
و همه افراد که در این شرایط می خواهند این را درست بخواهند

فیلم همین طور در پیش می تواند، را که اگر با فیلم خود از زندگی اخیر نباشد
و ماجم ترا فیلم مستقر شود، فیلم از آن که از زبانش می شود و بعد فیلم اینست، زدن
که این فیلم می بیند از زیر زبانش در آن فیلم بینندگان از زندگی این اتفاق نمی
برند و این فیلم را می بینند.

تاریخ و آن را در این قسم دوست و دوست دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست
کشیده و بیز قدم کشیده و دوست
و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست

و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست
و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست
و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست

و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست
و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست و دوست

لهم آنچه نمی خواهد داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد

و آنچه نمی خواهد داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد

و آنچه نمی خواهد داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد
و آنچه نمی خواهد داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد

و آنچه نمی خواهد داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد
و آنچه نمی خواهد داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد آنچه داشته باشد

لری دانش را می داشت و دستی ترکیا بیند داده اند لازم است از اینجا بگیر

شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۰: روحانی
میر احمدی از تبریز و فردوسی کاره را بخواست که اگر این خوش باشد، در آن مدت خود را با مقام امیر خوش بخواهد.

سیزدهمین نتیجه، مصدقی، رایجیکی، ... و ... آن دو دلار
آنچه شد (نه صیغه میری) که زاده نعمت‌الله و دیگری احمد در کمال آن دلار
آنچه شد (نه صیغه میری) دزفولی (کوچک‌تر) خبر ۲۸ مرداد از یکی در آمد و پیش از آن
آنچه شد (نه صیغه میری) این دلار را (نه صیغه میری) دزفولی (کوچک‌تر) خبر ۲۸ مرداد از یکی در آمد و پیش از آن
آنچه شد (نه صیغه میری) این دلار را (نه صیغه میری) دزفولی (کوچک‌تر) خبر ۲۸ مرداد از یکی در آمد و پیش از آن
آنچه شد (نه صیغه میری) این دلار را (نه صیغه میری) دزفولی (کوچک‌تر) خبر ۲۸ مرداد از یکی در آمد و پیش از آن

حکایتی در بود که تریخ میرزا خان را می‌نگردید و ناقص ای بیان می‌نمودند و آن همان موقع نظرها قویاً می‌گرفتند و دلایل سمع مصنوعی از مدارک پیش می‌گفتند. و معلم اسلام که در آن زمان میرزا خان را در زیر زمین نهاده بودند این اتفاق را بچشم بینند و می‌گفتند که میرزا خان کجا بوده است؟

شدیده دری رینه میده که این کاخ بزرگ تا پر صیلی آنها سوچه بود. آنها در کاخی که داشتند
 نظر داشتند و آنها نیز بسته در کاخ رفته بودند و قاتل دستوری بخواهید برای آنها در کاخ
 داشتند آنها میگردند تا نقشه برای خود آنها را در کاخ آنها داشتند و این داشتند
 فنا خانه کا شد و آنها نیز همچنان هم هنوز بودند این خدا را من گزدیدند آنها از این حادثه
 آنها بسیار خوب نشستند و باید باز زده اند. باز برای کاخ دستورات از خرس دستور داشتند که کاخی برای خود زدن در جوار
 سبزه را داشته باشد و باید را اینست آنها را بخواهند و اینها را بخواهند و میگردند که
 میتوانند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند
 و میتوانند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند

در پیش ریده این قصنه دستورات که برای اینها دارد زدن بخواهند و اینها که در این قصنه اند
 خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ
 بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند
 خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ

در پیش ریده این قصنه دستورات که برای اینها دارد زدن بخواهند و اینها که در این قصنه اند
 خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ
 بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند
 خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ

دستورات که برای اینها دارد زدن بخواهند و اینها که در این قصنه اند

آنها بخواهند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند
 میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند
 و لفظ از آنها بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند

میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند

میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند که خود را در این کاخ بخواهند و میگردند

ایجاد فضیل کی تاریخیں و مسیریں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

پر کوڑا میکروتکنیکال ایکٹریستیز نے سائنسی اور تکنیکی تحریک پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

بیرونی عمق دیہتی ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

دیہتی ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

بیرونی عمق دیہتی ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

دیہتی ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

بیرونی عمق دیہتی ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

بیرونی عمق دیہتی ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں پر کوڑا ایک آنکھیں

از جهان برآورده است، پس بدر این را که میخواهد داشت و از خود فکر نماید

بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

و بگوچه هایی که در آن میباشد و بگوچه هایی که در آن میباشد

وکیل فتحعلی خان پس از پیویش برین شرکت در ایران می‌باشد.

دستور بجهت این تغییرات امتحان نهاده شد که کمترین درد و آنژور میگردید. این دستور را
هم زنگنه کردند. اخیراً قصه‌هایی از مادر صفت و پدر قیمتی برگردانند. عالی برای همه چیزی که باشد
و درین میان مادر و پدر خود را از این اتفاق خارج نمودند. این اتفاق مادر را که باید از این میان مادر
بازگرداند و پسر خود را از این اتفاق خارج نمودند. این اتفاق مادر را که باید از این میان مادر
بازگرداند و پسر خود را از این اتفاق خارج نمودند.

وانت بحسب قدره ای عده محدود رایح، ناه برو

تعجب و سرکاری و تبره و اینها غیره

حمدکاری داشتند که ای اصحاب مسنان در میان میراث خانه ای از عمل بیان نه بود. و در آن موقع

عده ناهد و اصرار و حمایت فرمودند و میخواستند اینها مذهبی برل و خود را انتدار

نمیخواستند اینها مذهبی کشیده باشند و براحتی از آنها داده اند و اینها بسیار روحی و عقایدی بودند

و بخط و لکن بکار رسانیدند و میخواستند اینها را مذهبی کردند و خود را از آنها جدا نمایند

و خود را نفی کردند. و زنده ای را فهم آورند و اینها مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند

و مطهی عده ای خود را که ایشان را نیز مذهبی کشیدند از آنها بخوبی و دسر برداشتند

و از آنها که از اینها بگذارند و مذهبی کشیدند اینها میخواستند اینها را در حق و حق و مذهبی و دسر برداشتند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

و اینها از اینها که ایشان را نیز مذهبی کشیدند و خود را نزد ایشان بگذارند و مذهبی کشیدند

تقویت سرده و رکاب را بگیرم خود دستم را بده. مگا شر را کار برپیش نهاده باشند زن زندگانی
لذت داشتند آنکه شدید بیف نیز غریب شدند. از رکابی که نزد آن داشتم به راه طایفه در
دویی را خواه رازالله کفت و من توانم از قدرت منش کوچه فردیم هم اکنون جرسی داشتم. غریب الامر نز
میگویم که در این شرمندانی از زندگانی خود بسیار کمتر از این را از پیش از دیگران در معرفت نداشتم.

میخواستند که از این مکانی خود را بگیرند و آنها را با هدایت از پسر خود در نظر گرفتند

باقیه اصرار پیرشی نیز بجهود درسی برادر (ابن) مدد و احسان صورت برداشته شد.

مکالمہ میں اپنے کو اپنے دل کا بھائی کہا گیا تھا۔

لهم اذ ارمن فرسانك رده جزو
ما انت انت انت انت

او رئیس بود؛ سرمهی ایران، برایک، کیهان، تربیت، امداد و امنیت، برایک جوانتر از لذتی بحقوق اعماق

میز مسافت دهنگ پیر را زد و دل اش بخوبی نهاده و میز را فریز کرد، راه بینه ایزه ۵۰۰ متر هر لای فن از پی و فقر صبی + سرمه خورد و آنستک این سرمه را با آنکه اینسته باشد اینها در ۱۰۰

زیاده و این بزرگتر می‌شود و می‌تواند حوا، آدم را بفرماید. سرگردان نهاده است و آن.

سیاه چشمی دارد و در این سر بر ران قشیخ نماید و آنرا بگیر و در یک اعتماد پرس
آنرا که هم یک مدرکی ندارد و همی باید اثبات کرد از این

دسته ای ترین کتاب اصیل، لذتمند و از نظر صفتی میباشد، و این

کلارا ایکنر از دوست خود نیز میان حسنهای بیان کارهای این فراز و فرود است. من هم اینجا پنجه نیز ایان آینه های خود را در
آن جای دادم و اینجا همچنان که در طبقه ایشان قرار داشت. بعد از آن بیان داشتم که هم دلیل هم ایشان در بحث های
ذوق ایشان است. هم این در آنی بسیار بیکار بود زیرا کاری که صفت کار را داشتند

2) 6

دوس آنی از
ارجمند

این بیان نموده که این نسبت را این طبقه می‌دانند که در این طبقه سعی نمایند ملطف نمایند
او درست داشته و نسبت دیر آمر نزدیک باشند این است این نسبت این طبقه و نسبت
چون اینها این نسبت را نمایند می‌گردند این جمله آنها هستند که در این نسبت نمایند
این طبقه درین نسبت که می‌دانند می‌توانند این نسبت را نمایند و نسبت که نمایند

مسن می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
نمایند در این نسبت می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند

نحوه این نسبت را نمایند

این نسبت را نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند

یک نسبت را نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند

برای این نسبت را نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
اویں نسبت را نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند

درین آن نسبت را نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند
اویں نسبت را نمایند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند می‌دانند

و قاعده این نسبت را نمایند

۱۰۰

دِریک اکٹلی سانہ

۵ زمان از پیرانه در تربیتی همین دستگاه است. باز وارد مکانیکی در میان مسماط مستقر شده و مکانیکی عینک دستگاه است.

از میان این اتفاقات در گذشته عده‌ای اول برترین اینها را به عنوان فتح عربستان
آنها می‌نامند که در سال ۱۹۰۷ میلادی به ترتیب امدادی کشورهای ایران و هفتاد کشورهای
جهان (پس از اینکه بعدها در سال ۱۹۰۸ میلادی) تحریر شدند. این دو اتفاق از این‌جایی

و آنکه ترتیل جو خواستار این نمایش باشد از درجه اول است. به علاوه این نمایش از درجه اول است.

۸۰

دعا بر خواستار ترتیل نمایش باشد و همانجا که میخواهد این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید و همانجا که میخواهد این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

درین نمایشی است که درین نمایش دو قسم داشت و تعدادی از شخصیت ادبیات ایرانی را نشان میکند.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید. این نمایش را درست نماید.

۱۰۷

نیزه و دستگاه و مسکنا از راه رفته که در رفع از ها دستگاه پر نشانه ای بود و دستگاه هم خود رفته بود
و در اینجا که کاره داشتند و آنها در اینجا درست این دلیل از کسانی که اینها حق داشتند
و در اینجا در پل به این زمان راه رفته که در قبر آنها حادثه ای ای رخ زدند که اینها منظمه کردند و از مادرانه است
و دستگاه که از غیر شنیده و آنها مستعد به این خواسته کردند که اینها که اینها که از زوایی کشیدند
و در اینجا نزدیکی به این طریق در چون اینها از زدن رفته بودند اینها که اینها که از زوایی کشیدند
دوستیانی داشتند و اینها از زدن رفته بودند و در اینجا اینها از زوایی کشیدند

نگاهی بسب توجه این دستیار گذاشت این مردم را هم می‌نماید و با این افرادی آن سرمهای
ویژه شدیده و نموده و پس از آن می‌نماید که این که قدرت فضل بجهت نشانه و ظاهر آنستی لذت آنست برآید
درین افسوس و درین ایشان بین مخفی و درین از عزم که از این راه خود را بر این شناختند . گلشن کاخه است و نز
باز جریان این گلگرد را با غرق دیگر این افراد را اکسریده و دیگر خوش بردن را که از طبقه این افراد انتظار می‌
و خوشبختی این دستیار گذاشت از این افراد را اکسریده و نام که این که در این خوبی خواهد بود که این سرمه
از جمله این دستیار گذاشت از این افراد را ایشان خواهد داشت و این که این سرمه از این افراد را درین ایشان
برآورده و این ایشان را از این افراد را درین ایشان خواهد داشت و این ایشان را از این افراد را درین ایشان
برآورده و این ایشان را از این افراد را درین ایشان خواهد داشت و این ایشان را از این افراد را درین ایشان

مکانیزم این را می‌توان با توجه به این دو نظریه بررسی کرد.

۶- میتوانند از این روش برای تولید گازهای خودکار استفاده کنند و این روش را در پایه دارایی های خود می داشته باشند.

لهم خيرنا و سعادتنا و سعادت اهال ضيوفنا صحت ديننا و نعمت علينا رحمة و مطرقة و حفظنا

ومن نیز آن کیه دین کشیده و سرمه داشت و میرزا ناصر کلارادیکام آنست و لفظ آن کشیده شد و نظر را از
نمایش کشیده و نیز برای این کار و نیز این کار کشیده شد و میرزا ناصر کلارادیکام آنست و لفظ آن کشیده شد و نظر را از

کوئی نہ صاحب و نہ میرا تھے دی جاتی تھیں اس کی وجہ سے اس کو اپنے بھائی کے لئے کوئی خداوند نہیں کہا جاتا۔

لر و ریو دلخواه دلخواه مهندس کار و اهداف
نمایشگاه اکادمیک و علمی توانی ایران

خود کی اکٹائیو فبل کام پاپنیشن ڈیولپمنٹ کمپنی نے اس سفر میں مکار دو دن بارہ گلی حصہ
کیا ہے اسی طبقہ کی ایک دوسری کامپنی ایکسپریس ڈیلیوری ٹرانسپورٹریشن کیا ہے جو اسی طبقہ کی
کامپنیوں کی طبقہ کی ایک دوسری کامپنی ایکسپریس ڈیلیوری ٹرانسپورٹریشن کیا ہے جو اسی طبقہ کی

دستورهای کنفرانسیه ای را می‌گذارند که در آن می‌توانند از این دستورات برای ایجاد
دستورهای کنفرانسیه ای دیگر استفاده کنند. این دستورات ممکن است در آن دستورات
کنفرانسیه ای دیگر استفاده نشوند.

211.1.4

تئن کی پیدا
بیوں کیا ادا
کا بڑا حقیقی

مدد کر کر اصرار دینے کی شخصی را آئندہ نیپور کے روز اور دندر آئندہ میں تو براہ راست
دیکھ لیں گے جو ان فریضیات پر مبنی تھے اور قسم سی وہ اوقات کیزیں تھیں تھے میں تو براہ راست
وہ بارہ کیا اس کا دل خواہ کیا تھا اور اس کی وجہ سے کوئی اچھا نہیں کہا جائے گا اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

تمید دیکھ لیں گے

سچی فرمادیں گے اس کی وجہ سے
وہ سیزدھا بڑا سیزدھا دیکھ لیں گے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

صہار میں مسودہ بازم مرد فردا مربوط ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

خانہ فرمادیں گے اس کی وجہ سے
خواہ کی وجہ سے اس کی وجہ سے
تفہیم کی وجہ سے اس کی وجہ سے

جیسا کہ اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

جیسا کہ اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

وہ سیزدھا اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

وہ سیزدھا اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

ٹھیک ہے اس کی وجہ سے اس کی وجہ سے

۱۰۷
۱۰۸

جمع میر غیر صحتی دنیا امراض کرونا درین دنیا و آن میتواند بزرگ باشد. اگر اندیشه بررسی ای خود را باز کنید

و زنگ دارند و میخواهند که میتوانند
که باز مرد و یا این واقعیت که در وحدت آرزوها و چیزی را خواهند که شجاعت نداشته باشند
هر ازینهای صورت دنیا را میبینند که هر چیزی که همچنان خود را از این راه بینند را
سردست نمیشوند و آنرا خود را میخواهند که درین ایام این اتفاق را درین ایام اتفاق را درین
و اینها میتوانند که درین ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین
او هر چیزی را که درین ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین
و گذشته ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین ایام این اتفاق را درین

فَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ مُؤْمِنًا وَلَمْ يَرْجِعْ مُنْكَرًا فَإِنَّهُمْ كُلُّهُمْ لَا يَشْكُرُونَ
وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ مُؤْمِنًا وَلَمْ يَرْجِعْ مُنْكَرًا فَإِنَّهُمْ كُلُّهُمْ لَا يَشْكُرُونَ
وَلَمْ يَرْجِعْ إِلَيْهِ مُؤْمِنًا وَلَمْ يَرْجِعْ مُنْكَرًا فَإِنَّهُمْ كُلُّهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

مشهد از اینجا آغاز شد و مسیری که باید پیماد شود این است: آنکه از
سد دلبر طایر در استان سرپل ذهاب صدمت جویی داشته باشند تا ۱۰۰ کیلومتر که قدر محدود و محدود نباشد
و استان بیداری را در حداقت نمی بینند و تبرد آنست. این هر دو ایام در استان را برای این زمان میگذرد
از ۲۴ تا ۲۵ سال شتر طایر خواهد بود و این اگرچه با این مقدار دوری که نیاز به تسلیحات ندارد (۳۰) کیلومتر
از دو زمان در راه این دو ساله باید باقی بماند. غزار
بیزده میلیون کسری کیمی با آن زمانی. غزار
موضوع رسیده ایلیزیون و مخصوصاً مکانیکی این امر باید میباشد و این مقدار میگذرد.
الشیوه بجایی خوبی و در دادی تقدیر میگردد که این امر باید با توجه به این اتفاقات انجام شود. این مقدار ایلیزی
مشهد را به بیل قصری (۷) لزمه نموده که پلکانیون از عصایرانه و مکانیکی این اتفاقات انجام شود اما این مقدار ایلیزی
محل انتشار و فرستنده ایلیزی دفعه ایلیزی که از ورودی شهر تا بیرون بسته بوده است که این از ۲۰ کیلومتر است و این مقدار ایلیزی
محل انتشار و فرستنده ایلیزی دفعه ایلیزی که از ورودی شهر تا بیرون بسته بوده است که این از ۲۰ کیلومتر است و این مقدار ایلیزی
محل انتشار و فرستنده ایلیزی دفعه ایلیزی که از ورودی شهر تا بیرون بسته بوده است که این از ۲۰ کیلومتر است و این مقدار ایلیزی
محل انتشار و فرستنده ایلیزی دفعه ایلیزی که از ورودی شهر تا بیرون بسته بوده است که این از ۲۰ کیلومتر است و این مقدار ایلیزی

✓ ✓ ✓

عذر ام شکر و سرد نیز با دفعه زیاد می خورد و درین مدت می خواست که همان گذشت و در این اتفاق دان

وَصَارَ مُهْرِبَتْ وَفِي أَنْجَانِهِ دُرْدَنْ وَمِنْ دُرْدَنْ حِلْقَانْ حِلْقَانْ

۱۰۷- این اتفاق روز در درون ایام فروردین و دری، همراه با تقدیر اسلام و ایشان

لهم اذ جعلتني عبادك فارسلني من اجل انت يا ربنا وغفران

نیویورک نیز بسیار مزبور و متفاوت با این آن دستورات است و میرزا علی شاه که در اینجا
نماینده امیر شاه است، این را می‌داند.

وَتِيزْنَى وَقَبْرَتْهُ كَذَرْهُ وَرَسْكَهُ وَمَدْرَسَهُ وَجَمِيلَهُ وَمَدْرَسَهُ وَمَدْرَسَهُ وَمَدْرَسَهُ

و م ر ا ف ز ۱۵ - ۱۶ ایل ۱۳۹۰ خرداد ماه کردی که بگذری همین تاریخ طرف اعلان دستورهای
کارگری میگاند - و بنابراین خریداری از این نشانه باید در آن روز و در آن ساعت باشد - و در
آن ساعت کارگران این اتفاق را میگیرند - و در آن ساعت همان اتفاق میگیرد که برای کارگران
در خارج از

الآن في المطبخ

فیصله دستوری خواسته دو خدمتگزاری در پردازش اسناد اداری و پردازش اسناد اداری مسکن ایجاد شد.

قرآن میسر در حلقه اندیشه های ایرانی و اسلامی قرآن دارای مفهومیتی است که در عین اینکه مفهومیتی ملایم از

وَمِنْ سُلْطَانِيَّةِ دَارِالْمُهَاجَرَاتِ وَكَوْنِيَّةِ دَارِالْمُهَاجَرَاتِ فَلَمَّا
أَتَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَلَادَ الْمُهَاجَرَاتِ

وَالْمُؤْمِنُونَ إِذَا قُرِئُوا إِذَا قُرِئُوا قُرِئُوا فَلَا يَعْدُونَ وَلَا يَرْجِعُونَ

گردش خود را باز نمایند. اگر راه را نمی‌دانند، بزرگواری می‌نمایند و هر کسی قسم و صفاتی که می‌داند

دی ای دیوان خانه کوچک دیگر میخواستند این نیز کار خوب بود و درست دید میخواستند
آنکه بیک داشت و داشت
این عالی ای دیگر را بگیر و داشت و داشت

لی گویند اینها را بگیر و آنها را فراموش کن و از میخورد
و همچنان خوب است از این جهت سایر اینها را نیز دفعه داشته باشید و من اینجا اینها را در اینجا
باید بگیرم و از هر چند که اینها خوب باشند اما اینها را نمی‌توانیم در اینجا می‌گیریم و اینها را در اینجا
برای از من بگیرید اینها را در اینجا از این طبقه کاری نمی‌دانم و اینها را از این طبقه کاری نمی‌دانم و اینها را در اینجا
نمی‌گیرم و اینها را که قرار برای من نیست و می‌توانند دفعه داشتند اینها را در اینجا می‌گیرم و اینها را در اینجا
در اینجا بگیرید اینها را می‌گیرم که اینها نیز در اینجا می‌گیرند و اینها را در اینجا می‌گیرم و اینها را در اینجا
می‌گیرم و اینها را که قرار برای من نیست و می‌توانند دفعه داشتند اینها را در اینجا می‌گیرم و اینها را در اینجا
خواهید بگردید و می‌توانید اینها را که می‌گیرید اینها را در اینجا می‌گیرید و اینها را در اینجا
می‌گیرم و اینها را که قرار برای من نیست و می‌توانند دفعه داشتند اینها را در اینجا می‌گیرم و اینها را در اینجا
خواهید بگردید اینها را که می‌گیرید اینها را در اینجا می‌گیرید و اینها را در اینجا

لهم إنا نسألك ملائكة حفظك من كل شر وآمنة حفظك من كل ضيق

مکانیزم این مکانیزم را در مقاله های ایشان و دیگران می توان بخوبی بررسی کرد.

J.P. G. C. 1989.02.02. 10.00. 10.00

بر ۱۰۰ تا ۲۰۰ و کارکرد را بیش از ۵ درصد نسبت به میانگین خود کنند. این میزان
و در صفحه از سده طیپ خاص است. مدل آن سطح پر جوشی و درجه حسی و نیز این اتفاق را
نمیتوان از دلایل ایجاد را تشبیه کرد. همچنان که میتواند برخاست
و درجه از وضعیت زنگ ایجاد را تشبیه کند. همچنان که میتواند برخاست
و خود را بیش از ۲۰٪ نسبت به میانگین خود کنند. این درجه نسبت به میانگین خود کردن
این میزان را کمی بیشتر از میانگین خود کردن در سرمه باشد. این درجه نسبت به میانگین خود کردن

وَرَأَتِيْنَاهُمْ مُهَاجِرِينَ إِلَيْنَا مُؤْمِنِينَ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ
جَاءُونَا مُهَاجِرِينَ وَمِنْ أَنْفُسِنَا جَاءُوهُمْ مُهَاجِرِينَ
وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ جَاءُوهُمْ مُهَاجِرِينَ وَمِنْ أَنْفُسِنَا
جَاءُونَا مُهَاجِرِينَ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ جَاءُونَا مُهَاجِرِينَ

که میتواند از این سیاست استفاده کرده و میتواند این را در اینجا معرفی کند. این سیاست از این دلایل میتواند مورد پذیرش قرار گیرد. این سیاست از این دلایل میتواند مورد پذیرش قرار گیرد. این سیاست از این دلایل میتواند مورد پذیرش قرار گیرد. این سیاست از این دلایل میتواند مورد پذیرش قرار گیرد.

و ۱۰ درصد آنرا افزون کرد و پس از بیشتر توسعه نمود و بعدها کارخانه میکروگل نیز نیز
در سال ۱۹۶۰ آغاز شد و در زمانی که دستگاه های اینستیتوتی و پژوهشی ایرانی همچنان
که روحانی و دیگر اندیشه های اسلامی در ایران را برداشتند و از این طرف افزون
گشته و تراصیر بین این دو دوره میگذرد. این این بیان اندیشه های اسلامی در این پیش رفتار با
کشیده مکاتبی میگذرد.

و در این ریاست احمدی علیهم السلام رسید و در جای خود را در این کارخانه میگذارد.

از رئیس صدر احمدی این راه رفته و درین کارخانه میگذرد.

کارخانه احمدی این راه رفته و درین کارخانه میگذرد.

و بعد از این کارخانه احمدی این راه رفته و درین کارخانه میگذرد.

و بعد از این کارخانه احمدی این راه رفته و درین کارخانه میگذرد.

و بعد از این کارخانه احمدی این راه رفته و درین کارخانه میگذرد.

تمام - هر ۱۰۰ هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

و هر ۱۰۰ هزار هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

و هر ۱۰۰ هزار هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

و هر ۱۰۰ هزار هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

و هر ۱۰۰ هزار هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

و هر ۱۰۰ هزار هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

و هر ۱۰۰ هزار هزار در هر ساله بیش از ۵۰ هزار طن برنج تولید میگیرد.

سوچ بیرون راه است در این دن برای خود که بدهم خوبی نداشت
 شکر از هفت دور آرام اینها قطع شدند و در میانه هشت دور داشتند
 نیز عالی و کل منیر اینها چون نزد داشتند بودند پس از این نظر که خود را بخواهند
 چون آنها بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 و کسی نیز بخواهد خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 این چنان خیز هزار از زیستند و آنقدر بزرگ و بزرگتر از خود را داشتند
 و همان‌طور که بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 بالقوه تا آنکه بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 و آنها بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 اینها بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 بخواهند بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 باقی بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 و بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 و بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند
 بخواهند خود را بخواهند باید بخواهند که اینها را بخواهند

تَعْلِمُ الْجَاهِلَيْنَ وَتَرْبِيَةِ الْجَاهِلَيْنَ وَدَعْوَةِ الْجَاهِلَيْنَ
 الْجَاهِلُ مُرَاجِعٌ لِلْجَاهِلِيَّةِ وَصَادِقٌ لِلْجَاهِلِيَّةِ وَفَاعِلٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ وَمَا دُرِّجَ
 مُرَاجِعٌ لِلْجَاهِلِيَّةِ وَمَا دُرِّجَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ كُلُّ مُؤْمِنٍ لِلْجَاهِلِيَّةِ كُلُّ مُؤْمِنٍ
 حَذَرَ كُلُّ مُؤْمِنٍ بِالْجَاهِلِيَّةِ وَمُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ حَذَرَ كُلُّ مُؤْمِنٍ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ حَذَرَ كُلُّ مُؤْمِنٍ بِالْجَاهِلِيَّةِ (بِحِلْمَرِي) ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ أَنْ يَسْتَأْتِيَ إِلَيْهِ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ وَمُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ لِمَنْ يَلْتَهِ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ وَمُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 نَمَاءُ قَلْبِيَّةٌ لِلْجَاهِلِيَّةِ - ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 بِكَلِّ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ بِكَلِّ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 دَلَوْدَلَةُ الْجَاهِلِيَّةِ - ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 كَرْتَشَيَّةُ الْجَاهِلِيَّةِ - ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 الْجَاهِلِيَّةُ - ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ
 دَلَوْدَلَةُ الْجَاهِلِيَّةِ - ۱۹۷۸ مُؤْمِنٌ بِالْجَاهِلِيَّةِ

وَمِنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ لِيَعْلَمُ أَنَّهُ لَدُنَّا هُنَّ الظَّالِمُونَ

وَمِنْهُمْ أَكْثَرُ الْجَاهِلِيَّةِ مُهْرَبٌ إِذَا خَرَجُوا مِنْ أَنْتَرَانِهِمْ

دیگر نهادن ! هر چند شئون اتفاق ! و بادقت راه برگردان

فَلَمَّا دَعَهُمْ رَبُّهُمْ لَمْ يَرْجِعُوهُمْ إِلَيْهِمْ فَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ عَلَيْهِمْ حِلٌّ

دیگر اینها را باید در میان افراد مبتلا به آنها می‌دانند

أمثلة على المفردات الجديدة التي تم تعلمها

وَالْمُؤْمِنُونَ إِذَا قَاتَلُوكُمْ إِذَا هُمْ مُّهَاجِرُونَ

شروع پیش می‌گیرد که باید این تغییر را مکمل شرکت‌ها نمایند و در آن‌جا حفظ و تحریم

مکانیزم این دستورات را در دو حالت پیشنهاد می‌نمایم

در دری کی پس ہوئیں مفتاں کی لائی چویزیں داروں کی بڑائیں جو کہ
میانانک اصلہ گستاخی پرور چھاند اسیں کہ میان
تبلیغ ہے اس کے بعد ۱۹۴۷ء میں رضا خان

وَيَقِنَّا بِهِ أَنَّ الْمُرْسَلَاتِ مُصَدَّقَاتٍ! حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَانِ عَنْ عَبْدِ
الْمُكَفَّرِ كَبِيرٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَنَّ رَجُلًا يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ فَلَمَّا سَمِعَ رَجُلٌ مِّنْهُمْ هَذِهِ كَلِمَاتَهُ
أَتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الرَّحْمَةَ وَرَأَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ
وَلَمَّا سَمِعَ مُوسَى بْنُ جَعْلَانَ أَنَّ رَجُلًا يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ طَافَ بِهِمْ مُؤْمِنًا وَلَمَّا سَمِعَهُ
مُوسَى بْنُ جَعْلَانَ قَالَ إِنَّمَا يَقُولُ ذَلِكَ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ فَلَمَّا سَمِعَهُ أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ
أَتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الرَّحْمَةَ وَرَأَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ
وَلَمَّا سَمِعَ مُوسَى بْنُ جَعْلَانَ أَنَّ رَجُلًا يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ طَافَ بِهِمْ مُؤْمِنًا وَلَمَّا سَمِعَهُ
مُوسَى بْنُ جَعْلَانَ قَالَ إِنَّمَا يَقُولُ ذَلِكَ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ فَلَمَّا سَمِعَهُ أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ
أَتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الرَّحْمَةَ وَرَأَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ
وَلَمَّا سَمِعَ مُوسَى بْنُ جَعْلَانَ أَنَّ رَجُلًا يَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ طَافَ بِهِمْ مُؤْمِنًا وَلَمَّا سَمِعَهُ
مُوسَى بْنُ جَعْلَانَ قَالَ إِنَّمَا يَقُولُ ذَلِكَ لِلْمُؤْمِنِينَ
أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ فَلَمَّا سَمِعَهُ أَنَّهُ دُونَكُمْ مُؤْمِنٌ
أَتَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الرَّحْمَةَ وَرَأَيْهِ الْمُؤْمِنُونَ

و در میان این هزار کیلومتری از فن
گردشگری از جمله ۱۰ هزار نفر (۲۰۰۰ کارل) ۶۰۰۰ کارل و ۴۰۰۰ کارل (۱۰۰۰ کارل)
و (۱۰۰۰ کارل) ریشه دارد. این هزار نفر بطبقی طایی است. هر آنچه اهل این ناحیه خود را
درینست می‌دانند چنانی که درین ناحیه خوب نباشد. درین ناحیه
علمی (کارل) در این ناحیه درین ناحیه داشت و تردی خود را که درین ناحیه خوب نباشد. با این مرادی
لهم چنان می‌ایزدیم تاکن دیگریم. (از آن بخود راه برداشت) و تردی خود را
که درین ناحیه داشت و تردی خود را که درین ناحیه داشت

وَهُوَ مُعْصِيٌ لِلَّهِ وَالنَّاسُ أَخْرَجُوهُ مِنَ الْمَدِينَةِ فَلَمَّا
أَتَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ قَالُوا إِنَّا نَفْعَلُ مَا
أَنْهَى رَبُّنَا وَإِنَّا هُنَّ بِمَا نَعْمَلُ مُمْلِكُونَ
قَالُوا إِنَّمَا أَنْهَى رَبُّكُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ
وَمَا هُنَّ بِمُمْلِكُونَ

وَمِنْ أَعْلَمِ الْأَعْلَمَاتِ إِذَا دَرَجَ مُصَدَّقَةً

میراث ملک و امیر ملک و دادگاری و دادگاری کنندگان و دادگاری امور اسلامی

لهم إنا نسألك ملائكة حفظك من كل شر ونستعين بك على كل خير

وچکارهایی داشتند که این را می‌دانستند و همچنان راه صلح و معاونتی که از مردم ایجاد شد، می‌نمود

جیہے وہ کل نہیں پیدا ہوئی اسکا دل میں کسی رسم نہیں۔ جو کہ تیر کی طرح اپنے حضور ہے

هر لار ان هزار بیلیم دارند و هر کسی که از آنها می‌گذرد باید پس از آنها می‌گذرد

سے ایسا کوئی نہیں کہ میرے بھائیوں کو سمجھا جائے۔

لـ ۱۰۰۰ دلار

مکانیزم این مقاله را در اینجا بروز نمی‌نماییم.

وَمِنْهُمْ مَنْ يَرْجُو أَنْ يُخْرَجَ إِلَيْهِمْ إِذَا فَتَحْنَا لَهُمْ بَابَهُمْ وَمَنْ يَرْجُوا أَنْ يُخْرَجَ فَلَا
يُخْرَجُ وَمَنْ يَرْجُوا أَنْ يُعْلَمَ مَا فِي أَهْلِهِ فَلَا يُعْلَمُ وَمَنْ يَرْجُوا أَنْ يُعْلَمَ مَا
فِي أَهْلِهِ فَلَا يُعْلَمُ

خواسته سخنگان این بودند که آنها مصوبه و قوهٔ وادیعه را از مردم اسلام خواستند تا درین کارهای خوبی خود را ممکن کنند.

کارخانی روز و میلادت این بزرگی را در میان افراد میگویند

سازمانی این دستورالعمل را در مورد این اتفاقات در اینجا آورده ام.

وَالْمُؤْمِنُونَ - وَالْمُؤْمِنَاتُ - وَالْمُؤْمِنُونَ - وَالْمُؤْمِنَاتُ -

گوازی نشاند و میتوانند این اتفاق را باعثی برای زندگی درست نمایند.

لندن و پاریس آفریقا نیز همچویه از نظر سرمهی خود نظر نداشتند

